

کوتاه از دیپلماسی

وزیر خارجه سوریه، مسافر تهران

● **ایرنا:** سخنگوی وزارت امور خارجه از نخستین سفر خارجی وزیر خارجه جدید سوریه به ایران خبر داد و گفت: فیصل مقداد در این سفر با وزیر امور خارجه و دیگر مقام‌های کشورمان دیدار و گفت‌وگو می‌کند. به گزارش اداره کل اطلاع‌رسانی و امور سخنگویی وزارت امور خارجه، سعید خطیب‌زاده از نخستین سفر خارجی فیصل مقداد وزیر خارجه جدید سوریه به ایران و دیدار و گفت‌وگوهای وی با محمود جواد طریف وزیر امور خارجه و دیگر مقام‌های جمهوری اسلامی ایران خبر داد.
بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه دوم آذر ماه پس از درگذشت ولید المعلم وزیر امور خارجه فقید این کشور در حکمی فیصل مقداد را به عنوان وزیر امور خارجه تعیین کرد.

مسکوبا برجام جدید مخالف است

● **ایرنا:** سفیر و نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین با مخالفت با توافق هسته‌ای جدید به جای برجام با ایران خاطرنشان کرد که هرگونه توافق هسته‌ای جدید با ایران سال‌های زیادی به طول می‌انجامد. میخائیل اولیانوف در تویییت نوشت: برخی تحلیلگران خواهان توافقی بهتر با ایران هستند. آنها این اصل را از یاد برده‌اند که تکامل خوب اما بازگشت به توافقی هسته‌ای اولیه (حالت اولیه برجام) موضوع سختی است. هرگونه تلاش برای بهبودبخشیدن آن (توافق هسته‌ای با ایران) نیاز به سال‌های طولانی مذاکره بدون تضمین برای دستیابی به نتایج مثبت دارد. پیش‌تر نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی در وین در مورد دور‌نمای مذاکرات ایران و آمریکا ازجمله درباره بازگشت واشنگتن به برجام خاطرنشان کرد که در این مورد پیش‌بینی‌کردن دشوار است اما شانس برای مذاکره وجود دارد. وی افزود: شانس واقعی برای آغاز گفت‌وگوها بین ایران و آمریکا وجود دارد اما موارد اختلاف به قدری زیاد است که من نمی‌توانم در این‌ مورد پیش‌بینی کنم. بدون مذاکره جدید، می‌توان «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) را به حالت قبل و شرکت مجدد آمریکا در آن بازگرداند. این مقام روس در صفحه فیس‌بوکی خود نوشت: دیپلمات‌ها و تحلیلگران در مورد سیر اوضاع پیرامون ایران در سال‌ل ۲۰۲۱ میلادی گمانه‌زنی می‌کنند. اظهارات مقام‌های ایرانی این مورد قابل توجه است که تصریح می‌کنند امکان بازگشت خودکار و بدون هرگونه مذاکره وضعیت (پیرامون برجام) را به شرایطی که در دوره اوباما قرار داشت، ممکن می‌دانند. نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی مستقر در وین خاطرنشان کرد: به این ترتیب آمریکا به اجرای مفاد قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بازمی‌گردد و تحریم‌ها را لغو می‌کند و تهران اجرای کامل برجام را از سر می‌گیرد.

ترامپ: بعد از پیروزی در چند ساعت با ایران توافق می‌کنم!

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور آمریکا بار دیگر با ادعای اینکه در انتخابات اخیر این کشور تقلب شده است، گفت که اگر پیروز شود، در چند ساعت مقامات ایران برای انجام توافق در دفتر کار او خواهند بود. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی خود در ایالت جورجیا گفت: اکنون خوشحال‌ترین افراد در دنیا سران چین هستند. بعد از آن سران ایران هستند. در چهار سال آینده طوری عمل خواهیم کرد که هیچ‌کس تاکنون نکرده است. ترامپ با انتقاد از جو بایدن رئیس‌جمهور منتخب آمریکا که گفته است قصد بازگشت به توافقی هسته‌ای را دارد، افزود: کاری که آنها (دولت بایدن) می‌خواهند انجام دهند این است که میلیون‌ها دلار به ایران پول بدهند. اما اگر من پیروز شوم در همان ساعات ابتدایی (پیروزی) مقامات ایران برای انجام توافق در دفترم حاضر می‌شوند. البته هنوز هم ممکن است این سخنانی بیفتد. رئیس‌جمهور آمریکا در بخش دیگری از این سخنرانی به خروج از توافق هسته‌ای و همچنین ترور سردار سلیمانی اشاره کرد و این اقدام جانیکارانه را از دستاوردهای خود در دوران فعالیتش در کاخ سفید برشمرد.

شرق: تحولات صحنه قریه‌با و نهایتا توافق جمهوری آذربایجان و ارمنستان با نقش آفرینی مسکو و آنکارا، توانست فضای جدیدی در عرصه استراتژیک مرزهای شمالی و غربی ایران ایجاد کند. به بهانه تماس تلفنی هفته گذشته رؤسای جمهور ایران و ترکیه، آرایش فعلی را در گفت‌وگو با محمدعلی دستمالی، کارشناس روابط بین‌الملل که بر تحولات ترکیه متمرکز است، مورد بررسی قرار دادیم.

✎ **آقای روحانی و آقای اردوغان در دو ماه گذشته دو نوبت با هم تلفنی حرف زدند؛ اوایل آبان و اواسط آذر. در همین مدت ماجرای آذربایجان و ارمنستان هم ادامه داشته است. برخی تحلیلگران معتقدند در غائله آذربایجان و ارمنستان هم، ایران بازنده بازی و ترکیه برنده ماجرا بوده است. تحلیل شما در این مورد چیست؟ به ویژه اینکه آذربایجان به عنوان یک طرف درگیر، هم‌قوم نیست؟**
نقش آفرینی کدام طرف در موفق‌تر تر شدن ایند؟ اساسا ایران توانست نقشی ایفا کند یا نمی‌خواست که پررنگ حاضر شود؟

پرسشی دشوار و چندسویه است. اول اینکه تحت هر شرایطی، نفس تداوم گفت‌وگوهای جناب روحانی و جناب طیب بیگ، ارزشمند است. چراکه در اغلب رویدادهای چند سال گذشته، همواره دلایل و زمینه‌هایی برای تنش بین تهران و آنکارا، فراتر رفتن از ظرف رقابت و گسستن یا زخمی‌شدن سیم ارتباط، وجود داشته و دارد. اما هرکدام از طرفین، با لطایف‌الحلی، به قول حافظ «نگه داشته سر رشته، تا نگه دارد». ایران و ترکیه در این منطقه، همواره به هم نیاز دارند و باید با برخی تفاوت‌ها و تنازع منافع، کنار بیایند. دوم اینکه درباره نگرش تحلیگرانی که ترکیه را برنده و ایران را بازنده می‌دانند، نظر بنده چنین است: به هیچ شکلی نمی‌توان دلیلی یافت که ناقض و نافی برنده‌بودن ترکیه باشد. بله، ترکیه در کنار جمهوری آذربایجان و روسیه، از طرف‌های ظفرمند بود. اما در مورد بازنده‌بودن ایران، بنده حرف دارم. تمایل دارم این فرضیه را، به این شکل به چالش بکشم: مگر برنامه و قاعده خاصی در نظر گرفته شده بود که ایران، در این ماجرا برنده شود؟ اندکی شفاف‌تر بپرسیم: ایران و بایسته‌ها و شرایط خاص سیاسی و جغرافیایی و استراتژیک ایران، شانس و مجال برنده‌بودن هم در اختیار مقامات ما می‌گذاشت و آقایان از این شانس و مجال، غافل بودند؟ خیر. اساسا، این بازی نمی‌توانست نتیجه و فرجامی غیر از این داشته باشد. به هر سناریو و هر تدبیر جایگزین دیگری که بیندیشید، ایران نمی‌توانست و در عین حال، ایران نمی‌بایست خود را بیش از آنچه دیدیم و می‌توانیم تصور کنیم، درگیر این ماجرا می‌کرد. نه شرایط جغرافیایی ایران اجازه می‌داد کار خالصی در مورد ارمنستان بکند، نه مصلحت بود به شکل غلیظ و فردین‌وار له یکی و علیه آن یکی بایستد، نه مقدر بود در برابر روسیه قدرت‌نمایی کند و خود را صاحب پیرونده اصلی بداند و نه خردمندانۀ بود که علیه ترکیه بایستد. در مجموع، مواضع ایران و تأکید بر اشغال‌گریبودن ارمنستان، سنجیده بود. گریم در روزهای نخست، ناهماهنگی‌ها و شلختگی‌هایی دیدیم. گریم اندکی دنده‌پهن و سنگین، اقدام شد و معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران در مقام فرستاده ویژه رئیس‌جمهور،

در ترکیه و روسیه، چندان که باید تحویل گرفته نشد و اعتنای چندانی به طرح پیشنهادی ایران هم صورت نگرفت. اما هر جور حساب کنیم، چارچوب این پرونده، اجازه نمی‌داد اقدام خاصی صورت بگیرد. اساسا، نباید موقعیت و شرایط ایران و ترکیه را با همدیگر مقایسه کنیم. مثلا مفهوم خاص و استراتژیک «هم‌زادۍ» یا به قول ترک‌ها «سودباشلک» برای آنکارا یک مفهوم حیاتی است و بر اساس این مفهوم، کمک به جمهوری آذربایجان، اهمیت تاریخی و حیاتی پیدا می‌کند. حال آنکه، مفهومی که نزد جمهوری اسلامی اهمیت دارد، توجه به هواخواهی از جریانات و دولت‌های شیعی است که صدااللهه جمهوری آذربایجان در چنین حال و هوایی نمی‌گنجد. از دیگر سو، آذربایجان برای ترکیه، علاوه بر مسائل قومی و نژادی، از حیث منابع انرژی، ترانزیت گاز و کلا، اتصال به آسیای میانه و بسیاری مسائل دیگر، منافع تازه ایجاد می‌کند. اما برای ایران چنین چیزی وجود نداشت و اتفاقا نتیجه بازی به سمت و سویی رفت که بخشی از منافع اقتصادی منطقه‌ای ایران نیز از دست برود. این را نیز به یاد داشته باشیم که اراده تعیین‌کننده و اصلی در تحولات اخیر، روسیه بود. ایران قیلا در ماجرای سوریه و آستانه هم با روسیه کار کرده و بنا به دلایل سیاسی و ویژگی‌های کاراکتری خاص، همواره زمینه برای معامله عمل‌گرایانه بین ترکیه و روسیه، مساعدت بوده تا معامله بین ایران و روسیه، لذا در مجموع؛ اتمسفر سیاسی و جغرافیایی و قومی و منافع بازیگران، غافل نبود؟ خیر، اگر هم می‌خواست، نمی‌توانست امتیازات کلان و درخور توجهی بگیرد. اما چنین چیزی به معنی اردست‌رفتن تمام فرصت‌ها نیست. هنوز هم با برآورد و ارزیابی واقع‌بینانه تحولات جدید، می‌توان با هر چهار بازیگر یعنی با آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و روسیه کار کرد.

✎ **ماجرای آذربایجان و ارمنستان به طراحی یک کردیدور ختم شد که البته لزوما به معنای پایان تنش هم نیست. همین کردیدور ارتباط مستقیم ایران و ارمنستان را متأثر کرده و برخی گمانه ازمین‌رفتن مرز مشترک را مطرح می‌کنند. اگرچه دولت و وزارت خارجه این ادعا را نپذیرفته. اما آنچه در توافقی پیش آمده بالاخره بر همین ادعا صحه می‌گذارد یا نه؟**

اتفاقی که برای نخجوان افتاده، یک رویداد سیاسی و جغرافیایی بسیار مهم است. این رویداد، برای خود

دیپلماسی

محمد علی دستمالی، کارشناس روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «شرق»:

درس‌های استراتژیک تازه برای تهران

ایران یا ترکیه، کدام برنده شدند



نخجوان‌ها و جمهوری آذربایجان، اهمیت حیاتی دارد اما برای ترکیه، فوق حیاتی است. چراکه این گذرگاه، ترکیه را به جهان ترک متصل می‌کند و حالا، تجار و مسافران ترکیه، می‌توانند از نخجوان و از گذرگاهی که از خاک ارمنستان خواهد گذشت، به آذربایجان بروند و بازگردند. اما پیش‌تر، ناچار بودند یا راه‌آهنی استفاده کنند که حلقه واسطه آن، گرجستان بود یا مجبور بودند از ایران بگذرند. حالا، هم به جهان ترک نزدیک‌تر شده و هم بلاواسطه‌تر. اما باید با روسیه تعامل کنند. چراکه روسیه ناظر خواهد بود و البته اگر روس‌ها بخواهند اذیت کنند، آذربایجان نیز در لاپچین و دیگر مناطق، ارمنستان را در تنگنا قرار خواهد داد و باید به موازنه و تعادل برسد. اما از منظر منافع ایران، اتفاقی که افتاده، اولاً یک جنبه اقتصادی دارد که مرتبط با بی‌نیازشدن ترکیه و جمهوری آذربایجان از جاده‌های شمال ایران است و دوم اینکه ایران، مزیت استفاده از سوپ‌گاز و تجارت با نخجوان را از دست می‌دهد. صدااللهه، قلاما هم به درستی و با قدرت، از آن بازار و آن مزیت‌ها استفاده نمی‌شد. اما در مورد مرز ایران و ارمنستان، باید بگویم مرز از بین نرفته و مسدود نشده است. اما اینکه وزارت امور خارجه ما طوری رفتار کند که گویی نه ابری آمده و نه بارانی باریده، واقعیتی نیست. دست‌کم اعلام شود که طول مرز، بقدر تغییر کرده است. چراکه مقامات جمهوری آذربایجان اعلام کردند که بخشی از آن اراضی نزدیک رود ارس در مرز ایران و ارمنستان، حالا در دست نیروهای تحت امر باکو است. شایسته است در این مورد اطلاع‌رسانی شود و همه چیز شفاف باشد. آیا مرز ایران و ارمنستان، هنوز هم در حول و جوش آن ۳۵ کیلومتر قبل از جنگ است؟ یا اینکه مثلا به چیزی بین ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر، تقلیل یافته است؟ این موضوع عجیب و غریبی نیست. ایران که در شرایط عادی و طبیعی، با جمهوری آذربایجان مشکل خاصی نداشته و طول مرز ایران با این همسایه شمالی، بیش از ۷۵۰ کیلومتر است، حالا اگر مثلا این رقم به ۷۶۰ کیلومتر برسد که آسمان به زمین نمی‌رسد. مهم این است که اولاً از حیث امنیتی مشکلی به وجود نیاید و دوم اینکه از ظرفیت مرزها و مزیت همسایگی به درستی استفاده شود. اگر نه، همین الان، ما با عراق نزدیک به هزار و ۵۰۰ کیلومتر و با هر کدام از کشورهای ترکمنستان و افغانستان و پاکستان هم نزدیک به هزار کیلومتر مرز داریم، اما نمی‌توان با خاطر آسوده گفت که از مزیت‌های این مرز‌ها، به درستی بهره می‌گیریم.

شمشیر داموکلس بهارستان بر سر مذاکره

بانکی بین‌المللی به سیستم دلار و حاکم‌بودن قوانین FATF، «روابط کامل بانکی و عدم رفع کامل موانع صادرات و فروش کامل نفت و فراورده‌های نفتی ایران و برگشت کامل و سریع ارز منابع حاصل از فروش» میسر نبود، چه برسد به مهلت دوماه‌های که در این قانون پیش‌بینی نشده است. نمایندگان مجلس پیش و پس از تصویب این قانون، ادعا کردند به دلیل اجرای پروتکل الحاقی، اسم و نشان دانشمندان کشور در اختیار دشمن قرار گرفته و همین امر باعث ترور «شهید فخری‌زاده» شده است. درحالی‌که اولاً پروتکل الحاقی بیش از ۲۰ سال در کشور در حال اجراست و اگر اجرای آن باعث افشای نام دانشمندان هسته‌ای شده باشد، تئورهای پیش از این هم باید مشمول این اصل شده و سال‌ها قبل باید اجرای پروتکل الحاقی متوقف می‌شد. سطح دسترسی هم برگعکس ادعای نمایندگان مجلس «هر زمان، هر مکان» نیست و کشور‌ها مجاز به رد درخواست بازرسی هستند.

ثانیا براساس گزارش رسانه‌های خارجی اسم و رسم و حتی شماره تلفن منزل شهید فخری‌زاده هم‌زمان با افشای برنامه اتمی ایران توسط منافقین به سرویس‌های جاسوسی بیگانه داده شده و از سال ۲۰۰۷ در لیست تحریم‌های سازمان ملل و تحت نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفته است. نکته مغفول‌مانده این است که برگعکس ادعای تصویب‌کنندگان این قانون، توقف اجرای پروتکل الحاقی باعث اخراج بازرسان آژانس اتمی از ایران نخواهد شد و صرفا کمیت و کیفیت این زرتی است. راه‌گشای خواهد داد، چراکه تمام کشور‌های عضو آژانس و ذیل NPT، مشمول بازرسی‌های آژانس انرژی اتمی خواهند شد. از منظر حقوقی نیز به این مصوبه مجلس ایراد وارد است، چراکه اجرای پروتکل الحاقی، مصوبه مجلس را ندارد (گرچه در قالب برجام اجرای آن به تصویب مجلس رسید) و براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی در حال اجراست؛ بنابراین توقف آن نیز در

✎ **در همین دورانی که تنش در آذربایجان و ارمنستان وجود داشت، شایعاتی مبنی بر پیاده‌شدن نیروهای افراطی و حتی داعش توسط ترکیه در نزدیکی مناطق مرزی ایران مطرح شد. اما در سخنان رؤسای جمهور دو طرف در موردش صحبتی نشد. شما به عنوان کسی که تحولات ترکیه را با دقت دنبال می‌کنید این ادعا را قرین واقعیت می‌دانید؟**

شاید این موضوع، بخشی از جنگ روانی و رسانه‌ای بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان بود و در مورد اهمیت آن، اغراق شد. واقعیت این است که نیروهایی منتقل شد، مثلا بخشی از ترکمن‌ها از سوریه و احیانا عراق به آذربایجان رفتند و خود جناب علی‌اف نیز به شکل تلویحی، این واقعیت را پذیرفت. برخی از افراد پاک‌ک نیز از سوریه به ارمنستان منتقل شدند. اما چند واقعیت مهم را در نظر داشته باشیم: اول اینکه در مورد آمار این افراد، نباید اغراق کرد. دوم اینکه سرنوشت جنگ قریه‌باغ را نه این پیاده‌های مواجیب‌گیر، بلکه پهپادهای ترکیه و توافق آنکارا و باکو و مسکو تعیین کرد. سوم اینکه نمی‌توان به راحتی این افراد را تکفیری و داعشی نامید. از زمانی که رقابت‌های منطقه‌ای به فرجام نرسند و تنش‌ها خاتمه پیدا نکنند، شاهد این آمد و رفت نیروها در معرکه‌های منطقه‌ای خواهیم بود. از چندین کشور جهان، نیروهای افراطی به عراق و سوریه رفتند، کسانی از افغانستان و پاکستان و لبنان و این سو و آن سو به مضاف آنها رفتند، کسانی از سوریه و روسیه و سودان و امارات، به لیبی و یمن و جاهای دیگر اعزام شدند. نمونه فراوان است.

✎ **در مجموع فکر می‌کنید فضای روابط و دینامیک قدرت بین ایران و ترکیه بعد از ماجرای قریه‌باغ چه تفاوتی با قبل از آن کرده است؟**

روابط این دو بازیگر منطقه، به آسانی تحت تأثیر فاکتورهای پیرامونی قرار نمی‌گیرد. اختلاف منافع ایران و ترکیه در نمونه مهم سوریه، توانست به اصل رابطه لطمه بزند. بنابراین، شرایط جدید قفقاز نیز نمی‌تواند دردرس‌جای شود. اتفاقا زمینه‌هایی فراهم شده که می‌تواند باریگر تقویت روابط شود. ایران باید واقعیتی به نام قدرتمندترشدن ترکیه در آسیای میانه را بپذیرد و با آن کنار بیاید و متقابلا، ترکیه نیز فهمیده است که در حوزه حساسی مانند خلیج فارس، نمی‌تواند به اندازه ایران، نفوذ و قدرت داشته باشد. شاید باید از مجموع این حوادث و تحولات اخیر، درس‌های استراتژیک تازه‌ای بگیریم. هنوز جوهر توافق‌نامه ایران – باکو با وساطت مسکو خشک نشده بود که ترکیه، پوشه اتصال شبکه راه‌آهن به نخجوان و پوشه احداث گذرگاه را روی می گذاشت. اما چندین سال از تحولات عراق و افغانستان گذشته است و ایران نه‌تها در حوزه استفاده از قدرت نرم و مزیت‌های تجاری، صاحب جایگاه ویژه‌ای نشده، بلکه دست‌کم در عراق، در برابر ترکیه عملا قافیه را باخته است. دیگر اینکه باید برخی پیوستارهای فرهنگی منطقه‌ای را درک کرد و اجازه نداد به راحتی، یک هم‌پهن ایرانی، به صرف علاقه‌مندی‌های ساده و طبیعی، انگ و اتهام «پان» بخورد. اگر میزان تعامل و انسجام در داخل و نوع مواجهه با تنوع فرهنگی و قومی داخل، در سطح قابل قبول و رضایت‌بخشی باشد، نباید از تحولات این‌چنین، هراسی به دل راه داد.

اختیار مجلس نیست. همچنین دولت موظف به نصب سانسورفیوز‌های پیشرفته شده؛ درحالی‌که پیش از این توسط همین نمایندگان، ادعا می‌شد که بعد از برجام، تحقیق و توسعه هسته‌ای متوقف و صنعت هسته‌ای نابود شده است. در این شرایط باید از تصویب‌کنندگان قانون پرسید اگر چنین است دولت چگونه در سه ماه این سانسورفیوز‌های پیشرفته را به بهره‌برداری برساند؟ فارغ از محتوا، از منظر دیپلماتیک این قانون می‌تواند به‌عنوان یک شمشیر داموکلس عمل کند. از یک طرف، اجرای این مصوبه می‌تواند با سنگربندی جدید در مذاکرات اّتی، کارتهای بازی بیشتری در اختیار دیپلمات‌ها قرار داده و قدرت چانه‌زنی و امتیازگیری ایران را افزایش دهد. اما از طرف دیگر، کاهش بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و توقف اجرای پروتکل الحاقی، می‌تواند پیرونده ایران در شورای حکام انرژی اتمی را مدح‌فعال کند. چنانچه شورای حکام به این نتیجه برسد که اجرای این قانون باعث خلل در راستی‌آزمایی ایران است، ممکن است با محویت تئوریکای اروپایی، قطع‌نامه جدیدی را در شورای حکام به تصویب برساند و پیرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد. در چنین شرایطی، با توجه به آنکه این اقدام ایران نقض قطع‌نامه ۲۲۳۱ خواهد بود، امکان اجماع بین‌المللی علیه ایران و بازگشت تحریم‌های لغوشده، وجود دارد. یعنی آنچه در این سال‌ها، دولت آمریکا در پی آن بود و نتوانست به آن دست یابد، به‌راحتی در اختیار آمریکا قرار خواهیم داد. آن‌گاه غنی‌سازی ۲۰ درصد، افزایش ذخایر اورانیوم و راه‌اندازی سانسورفیوز‌های جدید نیز کمکی به رفع تحریم‌ها نخواهد کرد. از همه بدتر آنکه مواضع مسئولان کشورمان درباره این قانون یکسان نبوده است. دودستگی و تضاد آرا بین دولت و مجلس و حتی بین دولت و دبیرخانه شورای امنیت ملی، در این شرایط هیچ کمکی به تیم مذاکره‌کننده نکرده و تنها این پیام را به طرف مقابل خواهد رساند که در ایران نسبت به احیای برجام، دیدگاه واحدی وجود ندارد و همین، راه مذاکره را چه برای دولت فعلی و چه برای دولت بعدی بسیار مشکل خواهد کرد.

ادامه از صفحه اول

پاسخ به فالیباف و مجلس اصولگرایان در انتخابات ۱۴۰۰

واقعیت این است که دولت دوازدهم با قانونی که مفهوم آن خروج ایران از برجام به دست دولت است، در حالت کیش قرار گرفته و باید دید آیا می‌تواند خود را از مات‌شدن نجات دهد یا نه؟ طبیعی است که دولت‌های باقی‌مانده در برجام اگر می‌خواستند با آمریکا مخالفت کنند، در سه سال اخیر می‌کردند و برجام فعال می‌شد. اما حتی متحدانی که ایران روی رفاقت آنها به‌ویژه چین حساب ویژه باز کرده بود، در این مدت منافع ملی و میزان حجم تجارت و مبادلات بازرگانی خودشان را آمریکا را بیشتر مدنظر قرار دادند. از سوی دیگر، با شش‌ساختی که از یک جناح خاص پا توان و نفوذ اقتصادی و سیاسی در ایران دارند، می‌دانند که تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در داخل ایران طرفداران قدرتمندی دارد که به کاسبان تحریم شهرت یافته‌اند. بنابراین، پاسخ آنها به قانون جدید مجلس یازدهم معلوم و واضح است. دولت‌های اروپایی می‌گویند نمی‌توانند بانک‌ها و خریداران نفت خام را که بخش خصوصی هستند، مجبور کنند با ایران بدون نگرانی از تحریم‌های آمریکا روابط بانکی و خرید نفت خام داشته باشند. از همه مهم‌تر می‌گویند به دلیل نیپوستن ایران به FATF و ادامه حضور ایران در لیست سیاه روابط بانکی بین‌المللی، عملا ارائه هرگونه خدمات و ارتباطات مالی، بانکی و پولی از سوی بانک‌های جهانی با بانک‌های ایرانی ممکن نیست.

درواقع ایران خودش را عملا در یک تحریم تمام‌عیار بانکی جهانی فراتر از تحریم‌های آمریکا قرار داده است و حل این مشکل در دست مجلس یازدهم و مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران است و ربطی به برجام ندارد. با توجه به شرایط بازار و توافقی اخیر اوپک و غیراوپکی‌ها که روزانه ۵۰۰ هزار بشکه به حجم تولید نفت خام در بازاری که بیش از ۲۰ میلیون بشکه در روز از تقاضا برای مصرف نفت خام در آن کاهش پیدا کرده است، عرضه خواهند کرد، بدون تردید احیای سهم ایران در بازار نفت خام به زمان طولانی نیاز دارد؛ بنابراین بسیار بعید به نظر می‌رسد که تا یک ماه آینده خرید نفت اروپا از ایران دوباره آغاز شود یا مبادلات بانکی از سر گرفته شود. چین و روسیه از تداوم تحریم‌های بانکی و نفتی ایران متضرر نمی‌شوند؛ بلکه سود هم می‌برند. کمالینکه چین اگر نفت ایران را بخرد، در قیمت بسیار ارزان می‌خرد و روسیه هم جای خالی نفت ایران در اروپا را پر کرده است. درحال آنها منتظر خواهند ماند تا دولت بایدن مستقر شود و وزرای کابینه بایدن هم رای اعتماد بگیرند؛ بنابراین دولت دوازدهم برای ادامه اجرای پروتکل الحاقی حدود دو ماه فرصت دارد. در این مدت دولت بایدن در آمریکا هنوز روی کار نیامده است تا بازگشت آمریکا به برجام میسر باشد. تحریم‌ها تداوم خواهند داشت و کاسبان تحریم به کاسی مشغول خواهند بود. دولت دوازدهم چاره‌ای ندارد جز ختمه‌دادن به اجرای پروتکل الحاقی که بخش مهمی از اجرای قانون جدید مجلس یازدهم محسوب می‌شود. بدیهی است که بلافاصله ایران با واکنش جامعه جهانی روبه‌رو خواهد شد و دونالد ترامپ، اسرائیل، آل سعود و شیخ‌های متحد آنها در خلیج فارس به‌اصطلاح با دش‌مان گردو خواهند شکست. در بازی سیاسی و اقتصادی داخلی کشور و به‌ویژه مرتبط با برجام دولت یازدهم و دوازدهم به مجلس یازدهم و شورای نگهبان می‌بازند و دولت سیزدهم وارد یک توافق باخت برای ایران و برد برای آمریکا و اسرائیل در ۱۴۰۰ خواهد شد. چنانچه ملت اجازه پیدا می‌کرد قبل از تصویب نهایی قانون جدید در مجلس یازدهم اظهار نظر کند، همان‌طور که اکثریت ملت در انتخابات دوازدهم برجام حرفشان را زدند، ضروری بود دست‌کم قبل از تصویب نهایی قانون جدید، صداوسیمای قضایی فراهم می‌کرد که کارشناسان، مردم و دولت در این زمینه هم اظهار نظر می‌کردند و موافقان و مخالفان حرف‌شان را می‌زدند. ملت زمانی می‌تواند دراین‌باره اعلام نظر کند که زمان انتخابات ۱۴۰۰ فرا برسد و مردم با رای‌شان و حضور در پای صندوق‌های رای درباره تداوم وضع موجود و تداوم تحریم‌ها یا برون‌رفت از وضع موجود نظر بدهند. رئیس‌جمهور نیز به‌عنوان منتخب مردم و رئیس شورای عالی امنیت ملی را باید مشکلاتی را که اجرای این قانون برای مردم و منافع ملی نظام جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌آورد، مطرح و تصمیم شورای مذکور را برای مقام معظم رهبری ارسال کند. نکته‌ای که برخی کارشناسان مورد توجه قرار می‌دهند، این واقعیت است که رئیس مجلس یازدهم و برخی نظامیان که احتمالا از ایشان حمایت می‌کنند، در این شورا حضور دارند و درصورتی‌که رئیس قوه قضائیه هم با ایشان موافق باشد، رئیس‌جمهور احتمالا نتواند نظر مثبت شورای عالی امنیت ملی را برای متوقف‌کردن قانون جدید کسب کند. در این صورت تنها راهی که برای دولت دوازدهم باقی می‌ماند، این است که به طور مستقیم از مقام معظم رهبری درخواست کند که از طریق اختیارات رهبری دخالت کند و اجرای قانونی را که بدون مطالعه علمی و کارشناسی و تأثیرات آن بر روابط خارجی، اقتصادی، بازرگانی، بین‌المللی و... ایران در این شرایط کرونایی تصویب شده است، متوقف یا به حالت تعلیق درآورد.

✎ **کارشناس بین‌المللی انرژی**



شرکت ملی گاز ایران

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی پالایشگاه دهم در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید:

شماره تقاضا و مناقصه	مناقصه شماره R10-99/005	تقاضای شماره EM-9900036
شرح مختصر اقلام درخواستی	Molecular Sieves for LPG Treatment - ساخت داخل	
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	پس از اتمام مرحله ارزیابی صلاحیت، مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار به میزان ۱/۸۲۵/000/000 ریال می باشد	
نوع تضمین شرکت در فرایند اجرای کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۳۴۴/۰۹ت/۰۶۰۶۹۴ مورخ ۹۴/۰۹/۲۴ هیات وزیران می باشد. تبصره: درصورت ارائه تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت وجه نقد مبلغ نقدی می بایست به شماره حساب ۰۶۱۰۰۶۵۸۱۶۱۰۰۶ بانکی ملی شعبه نکنان بنام پالایشگاه دهم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی واریز و فیش واریزی ارائه گردد.	
مبلغ برآوردی مناقصه	۳۸۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	
تاریخ تحویل اسناد به وادچین شرایط	۱۳۹۹/۱۰/۰۸	آخرین مهلت ارائه پیشنهادها
تاریخ گشایش پاکت های	۱۳۹۹/۱۱/۰۸	تاریخ گشایش پاکت مالی
آدرس و تلفن مناقصه گزار	استان بوشهر، شهرستان نکنان، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس سایت ۲ شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی فاز ۱۹- پالایشگاه دهم- اداره تدارکات و امور کالا واحد خرید، تلفن: ۰۷۲۳۱۴۶۶۲۷۱-۰۷۲۳۱۴۶۶۲۸۳-۰۷۲۳۱۴۶۶۲۸۷-۰۷۲۳۱۴۶۶۲۸۷	

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۷۲-۳۱۴۶۶۲۸۳-۰۷۲۳۱۴۶۶۲۸۳-۰۷۲۳۱۴۶۶۲۸۷-۰۷۲۳۱۴۶۶۲۸۷ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی